

Analyzing the Meaning of the Lifestyle of Young People who Consume Addictive Substances in Farahzad, Tehran: A Qualitative Study with a Grounded Theory Approach¹

Davood Mirzaie Moghadam², Tahmores Shiri³, Reza Ali Mohseni⁴

Received:2023/06/12 Accepted:2024/01/30

Abstract

Objective: The present study was conducted to analyze the lifestyle meaning of young people who consume addictive substances in Farahzad, Tehran. **Method:** The present research method was qualitative and based on grounded theory. The statistical population of the present study included all young substance users living in Farahzad hangout in Tehran, and 35 of them were selected through purposive sampling. Data collection was conducted through semi-structured in-depth interviews, and data analysis was performed using open, central and selective coding methods. **Results:** Factors influencing the emergence and progression of the addictive lifestyle and self-inflicted suicide included individual and social factors (including pleasure-seeking and curiosity, misconceptions about drug use); underlying, sustaining, and aggravating factors (including family, social, environmental, and economic conditions); and intervening factors (including variables and psychological and emotional disorders, social labels, and consequences such as feelings of worthlessness, helplessness, failure, and departure from normal life). Also, the strategies involved assigning meaning to life in addiction, resisting change, and sharing struggles with peers in the hangout. **Conclusion:** The interaction of individual, family, social, and institutional factors was effective in creating and giving meaning to the participants' addictive lifestyle. People who experience failure in life may turn to an addictive lifestyle to compensate for loneliness and isolation, leading to gradual self-destruction and self-inflicted suicide. It is recommended to pay attention to the realities of teenagers' and young people's lives, especially their disappointments and frustrations, and to understand the meaning of life from their perspective.

Keywords: Meaning analysis, Addictive lifestyle, Self-inflicted suicide, Grounded theory

1. This article has been extracted from the doctoral thesis of the first author at the Islamic Azad University, Central Tehran Branch, and was completed with the financial support of the Anti-Narcotics Headquarters.

2. Ph.D. Student, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: shiri.tahmures@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

معناکاوی سبک زندگی جوانان مصرف کننده مواد اعتمادآور در فرhzad تهران: مطالعه کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای*

دادو میرزائی مقدم^۱، طهمورث شیری^۲، رضاعلی محسنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف معناکاوی سبک زندگی جوانان مصرف کننده مواد اعتمادآور در فرhzad تهران انجام گرفت. **روش:** روش پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه جوانان مصرف کننده مواد مقیم پاتوق فرhzad تهران بودند که از بین آنها ۳۵ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع آوری داده‌ها با روش مصاحبه عمیق نیمه-ساختماریافته و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. **یافته‌ها:** عوامل تاثیرگذار بر پیدایش و پویش سبک زندگی دلفریب اعتمادی و خودکشی خودخواسته شامل عوامل فردی و اجتماعی (شامل لذت‌جویی و حس کنجکاوی، پنداشت‌های غلط درباره مصرف مواد)؛ عوامل زمینه‌ساز، تداوم بخش و تشديد کننده (شامل شرایط خانوادگی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی)؛ و عوامل مداخله‌گر (شامل متغیرها و اختلالات روان‌شناختی و هیجانی، برچسب اجتماعی و پیامدها شامل احساس بی‌ارزشی، بی‌پناهی، شکست و خروج از زندگی معمولی) بودند. همچنین، راهبردها شامل معنابخشی به زندگی اعتمادی، مقاومت در برابر تغییر و تقسیم دردها با همنوعان در پاتوق بود.

نتیجه‌گیری: هم کنشی عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و نهادی در پیدایش و معناده‌ی سبک زندگی اعتمادی مشارکت کنندگان مؤثر بود. آنها با ناکامی در زندگی برای جرمان تنهایی و ازروا به سبک زندگی دلفریب اعتمادی روی آورده و مرگ تدریجی و خودکشی خودخواسته را تجربه کردند. توجه به واقعیت‌های فراروی زندگی نوجوانان و جوانان، به خصوص نامیدی و سرخوردگی‌های آنان به طور عمیق و فهم معنای زندگی از دریچه دید آنان، توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معناکاوی، سبک زندگی دلفریب اعتمادی، خودکشی خودخواسته، نظریه زمینه‌ای

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکترای تخصصی نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است و با حمایت مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر به سرانجام رسیده است.

۱. دانشجوی دکترای تخصصی، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

shiri.tahmures@gmail.com

۳. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

صاحب نظران معتقدند، جوانی یکی از دوران‌های رشد چالشی در ادوار زندگی هر فرد است که می‌تواند با رفتارهای مخاطره‌آمیز تهدیدکننده ابعاد سلامت روحی و جسمی انسان و هنجارشکنی‌های اجتماعی، همراه باشد (چاکی بلياد و همکاران، ۱۴۰۰). جوانان با تأکید بر دریافت پاداش فوری، بی‌آنکه به عواقب رفتارهای مخاطره‌آمیز بیاندیشند، دست به انتخاب رفتارهای پر خطر^۱ می‌زنند (رينولدز^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد جوانان، سازه‌های اجتماعی و فیزیکی^۳ فراوری خود در زندگی را بر اساس نظام فایده‌مندی تعریف کرده و دانش آنها بر اموری بنا نهاده می‌شود که در نظام هزینه-منفعت، سود آن برایشان ثابت شده باشد و بر همین بنیان، نظام شناختی و کنشی خود را توسعه می‌بخشند (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). جوان امروز با استفاده از تجارب تغییرات بنیادین اجتماعی در ساحت‌های متفاوت، مانند جوان پرورش‌یافته در جامعه سنتی،^۴ اندیشه و کنش خود را در پناه یک نظام اجتماعی یکپارچه، تنظیم نمی‌کند. به بیان ریتر^۵ (۱۴۰۰) در دنیای کنونی، انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی، ادراکات گوناگونی را خلق نموده و در گسترش این فرآیند، خویشتن را به نحوی متفاوت تعریف می‌کنند. بر همین اساس، بازسازی و دگرگونی‌های نظام معنایی پدیده‌ها را باید در ارتباط متقابل کنشگر و جهان اجتماعی بررسی نمود. از همین رهگذر، معنابخشی به واقعیات حاکم بر سبک زندگی اعتیادی در نظام معنایی جوانان مصرف‌کننده مواد اعتیادآور، در دنیای مدرن کنونی، تبدیل به چالش و مسئله می‌شود. جوانان به مثابه یک گروه اجتماعی و به سبب برخورداری از روحیه خاص خود، تمایل به متفاوت بودن دارند. آنها بیشتر، مخاطب ارزش‌ها و هنجارهای جدید قرار می‌گیرند. جوانان همچون حاملان آگاهی‌های جدید و در جامعه‌ای که بزرگ‌سالان، تداوم نظم مستقر ارزشی-هنجاری در آن را امری بدیهی و درست می‌پنداشند، مستعد نگریسته شدن به عنوان عاملان ایجاد مسائل اجتماعی هستند. با این وجود، گستره توجه به جوانان در تحقیقات علمی پیرامون مسائل اجتماعی و یا در

1. risky behaviors

3. phisical and sociological

2. Reynolds

constration

4. Ritzer

مطالعات انجام گرفته در قلمرو تغییرات اجتماعی در ایران، چندان درخور اعتناء نیست. مفهوم جوانی یک برخواست اجتماعی با معنای اجتماعی است (جونز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از گراوند، ۱۴۰۲).

مسئله مصرف مواد اعیاد آور در جوامع مختلف، نوعی قانون‌شکنی تلقی می‌شود و بر اساس عرف و قوانین جامعه از شخص قانون‌شکن، سلب اعتماد می‌شود و خارج از دایره توافق زندگی گروهی قرار گرفته و به عنوان یک شخص بیرونی تلقی می‌شود؛ اما ممکن است فرد مصرف کننده مواد، دیدگاه متمایزی در این خصوص داشته باشد و قواعدی را که بر اساس آن مورد قضاوت واقع می‌شود را قبول نداشته باشد و به بیان بکر^۲ شاید کسانی که درباره او قضاوت می‌کنند را صالح یا دارای حق قانونی نداند (بکر، ۱۹۶۶؛ به نقل از حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). برخی محققین و صاحب‌نظران بر چسب اعیاد را به مثابه عدم ترک موقیت آمیز عادت مصرف مواد‌مخدر به کار می‌برند (آکرز، ۱۹۹۱؛ کووینترو و نیتچر، ۱۹۹۶). بر همین اساس، بین نظام معنایی جوانان مصرف کننده مواد مخدر و حاکمیت، یک شکاف دیده می‌شود، به این اعتبار که مصرف کنندگان مواد مخدر با دلایل متفاوت، سبک زندگی اعیادی خود را توجیه می‌نمایند؛ لذا تاکید بر نظام معنایی جوانان مصرف کننده مواد و معنابخشی به رفتار اعیادی، یک شرایط مسئله‌دار را روایت می‌کند.

شواهد نشان می‌دهد، استفاده ماری‌جوانا در میان بسیاری از مصرف کنندگان؛ به خصوص جوانان به بخشی «عادی» از تجربه روزمره و سبک زندگی^۵ آنان تبدیل شده است (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱)؛ امری که به زعم برخی کارشناسان، به عنوان «سبک زندگی اعتیادی» تحلیل می‌شود. افرادی که در این سبک زندگی غوطه‌ورند، فعالیت‌های روزمره و روابط اجتماعی شان، به شدت تحت تاثیر مواد قرار می‌گیرد (آذبورن و فوگل^۶، ۲۰۰۸). لذا گفته می‌شود با توجه به گستره بُروز و شبیوع، اختلال مصرف مواد

اعتیادآور در کشورهای گوناگون، تبدیل به یک مسئله اجتماعی^۱ و چالشی عمدۀ فراروی دولت‌ها، متخصصان، صاحب‌نظران و خانواده‌ها شده است (قاسمزاده، ۱۴۰۲). قریب به دو درصد از جمعیت دنیا در گیر مصرف مواد اعتیادآور هستند و در برخی کشورها این آمار به بیش از ۵ درصد می‌رسد (آیاس^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). نتایج یک پژوهش معترض نشان داد حدود ۷ تا ۳۲ درصد از جوانان سینی ۱۸ تا ۲۵ سال، در سراسر جهان، مصرف انواع مواد مانند کانابیس و متاامفتامین را تجربه کرده‌اند (هان^۳ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ شرکت اینکه حدود ۴۴ درصد از معتادان را افراد زیر ۲۴ سال تشکیل می‌دهند (قاسمزاده، ۱۴۰۲). آمار مصرف کنندگان مستمر و غیرمستمر موادمخدّر در ایران بر اساس اعلام ستاد مبارزه با موادمخدّر در سال ۱۳۹۷ حدود ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است (جاجیها و بهرامی‌احسان، ۱۳۹۹)؛ به نقل از قاسمزاده، ۱۴۰۲). تحقیقات نشان می‌دهد ۵۵ درصد خانواده‌ها پس از سه تا پنج سال متوجه اعتیاد فرزندان خود می‌شوند (جزینی و همکاران، ۱۳۹۷).

برای شناسایی چراًی تقاضای مصرف مواد مخدّر در جامعه علاوه بر شناسایی سایر ابعاد مسئله به بیان آنتونی گیدنز^۴ (۲۰۱۲) باید به دو واقعیت عاملیت و ساختار^۵، کارکرد عناصر، ارکان و مؤلفه‌های بنیادین مدیریت جامعه توجه نمود و درباره مصرف موادمخدّر در جامعه ایران؛ نقش ساختار وضعیت تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی و شرایط اقلیمی-جغرافیایی و منطقه‌ای، روابط و مناسبات اجتماعی، نظام مدیریتی و نحوه اداره جامعه از خانواده گرفته تا مدیریت سیاسی و نقش^۶ بعد دوم، عاملیت یا کنش گر^۷ که تحت تأثیر شرایط ساختاری جامعه، با رفتار خود به جامعه، بازتاب می‌دهد، امری قابل فهم است و از این رو محققان می‌اندیشند، در پیش گرفتن سبک زندگی اعتیادی توسط جوانان، پاسخ کنشگران و عاملان به ساختار رسمی جامعه است. هم‌چنین بر پایه نظریه بی‌هنگاری امیل دورکهایم^۷ (۱۹۱۷-۱۸۵۸) در شرایط کنونی جامعه امروزین ایران، برخی از جلوه‌های شرایط آنومیک را می‌توان در گرایش جوانان به مصرف مواد

1. social issue
2. Aas
3. Han
4. Anthony Giddens

5. agency and structure
6. activist
7. Emile Dourkheim

اعتیادآور، دید که ممکن است ناشی از احساس بی‌عدالتی در توزیع منابع اقتصادی، اجتماعی و کمزنگ شدن اخلاق (قاسمزاده، ۱۴۰۲) و به بیان گثورک زیمل^۱ (۱۹۱۸-۱۸۵۸) حاکمیت فلسفه پول^۲ باشد و آنچه که نگرانی‌ها را درباره گسترش مصرف موادمخدّر در قشر جوان، بیشتر می‌کند تبدیل آن به «سبک زندگی» و روال عادی روزمره است.

بسیاری از پژوهش‌ها، عوامل موثر بر اعتیاد و مصرف مواد را بررسی کرده‌اند و به عامل‌هایی نظیر تقليد از والدین، اطراقیان و دوستان، دسترسی آسان به سیگار، قلیان و انواع مواد، نبود تفریح سالم، سرگرمی ارزان، در دسترس و جذاب در زندگی (میرزایی و نظرزاده، ۱۳۹۸؛ راملاقان^۳ و همکاران، ۲۰۲۱)، حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی، فشار همسالان، ازدحام و به همان اندازه فقر (اوندیکو^۴ و همکاران، ۲۰۱۹)، بعضی مطالعات نیز بر استراتژی‌ها در پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور پرداخته‌اند. نعمتی سوگلی تپه و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عامل‌های زمینه‌ساز فردی و بین فردی؛ عامل‌های آشکارساز خانوادگی و عامل‌های تداوم بخش و تشید کننده اجتماعی، فرهنگی و محیطی، از جمله عوامل تاثیرگذار در مصرف مواد اعتیادآور هستند. قاسمزاده (۱۴۰۲) در مطالعه کیفی بررسی علل و زمینه‌های اختلال مصرف مواد در بین دانش‌آموزان شهر تبریز، دریافت هم‌کنشی عوامل ساختاری و کنشگری عامل‌هایی مانند فضای سایری، کمبود سرمایه اجتماعی، دگردیسی سبک زندگی و حس جستجوگری به عنوان شرایط علی، موانع سیاست‌گذاری و فقدان بسترهاش شادی و نشاط به عنوان شرایط زمینه‌ای؛ مقولات سبک زندگی مبتنی بر وسائل ارتباطی، نبود برنامه‌های جوان پستد در رسانه‌ها و اثرات فناوری‌های نوظهور به عنوان شرایط مداخله‌گر و مقولات پذیرش اجتماعی، روابط صمیمانه خانوادگی، بهبود نظم اجتماعی مدرسه به عنوان پیامدهای اختلال مصرف مواد اعتیادآور بودند. مطالعه پژوهشی شریفی‌نیا و رحیمی یگانه (۱۴۰۱) درباره پیش‌بینی سبک‌های حل مسئله بر اساس ابعاد تمایزی‌افگنگی خود در افراد وابسته به مواد نشان داد که

۶۰
60

۱۴۰۱-۱۳۹۸-۷۱-۰۷-۱۸-۰۶-۱۰-۱۰-۱۴-۰۶-۰۵-۰۴-۰۳-۰۲-۰۱

1. Simmel
2. The philosophy of money

3. Ramlagan
4. Ondigo

بعد تمایزیافتگی خود با سبک‌های حل مسئله در افراد مصرف کننده مواد رابطه معناداری دارد؛ به گونه‌ای که هم جوشی با دیگران می‌تواند سبک‌های خلاقیت و اعتماد به نفس را پیش‌بینی کند آن‌چنان که گسترهای عاطفی می‌تواند سبک‌های درماندگی و روی‌آورد را آینده‌نگری نماید. هم‌چنین سطح تمایزیافتگی خود، نقش قابل توجهی در پیش‌بینی شیوه‌های رویارویی در افراد وابسته به مواد با مسائل و رویدادهای زندگی روزمره دارد و دقیقاً به همین دلیل لازم است در برنامه‌های پیش‌گیری از اعتیاد نوجوانان و کودکان، به سطح تمایزیافتگی آنان توجه شود. مغائلو و والیوند (۱۴۰۱) در پژوهش خود در شهر مسجدسلیمان با موضوع مدل‌یابی گرایش به اعتیاد بر اساس صفات مدل پنج عاملی شخصیت با میانجی‌گری تاب‌آوری در دانشجویان دریافتند ویژگی‌های شخصیتی با تعدیل تاب‌آوری موجب کاهش گرایش به اعتیاد در دانشجویان می‌شود و وجود تاب‌آوری در برابر استرس می‌تواند نقش صفات شخصیت بر میزان گرایش به مصرف مواد اعتیاد‌آور را تعديل کند. نتایج پژوهش حمیدی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) بر روی جوانان شهر رشت با عنوان نظام معنایی مصرف کنندگان ماری‌جوانا از اعتیاد با رویکرد نظریه زمینه‌ای، نشان داد عوامل نهادی، اجتماعی و فردی در نظام معنایی مصرف کنندگان مواد اعتیاد‌آور موثر است؛ به این اعتبار که کنشگران با توجه به نوع مصرف، عقلانی و آگاهانه در نظر گرفتن کنش خود و کارکردهای مناسب ماری‌جوانا در حیات اجتماعی‌شان و آرزوی آزادی مصرف ماری‌جوانا در ایران، مصرف این ماده را یک کنش اعتیاد‌آور در نظر نمی‌گیرند. از سوی دیگر، تعریف ساختار حاکمیتی جامعه کنونی ایران، اعتیاد را به مثابه یک برچسب می‌دانند که منجر به از دست دادن موقعیت اجتماعی حال حاضر آنان می‌شود. علاوه بر این، نظام معنایی مصرف کنندگان مواد از اعتیاد در فرآیند یادگیری و الگوسازی کثار همسالان، بر اساس رویکرد نظریه یادگیری اجتماعی، خلق و تقویت می‌شود و بر این باور هستند که ماری‌جوانا متمایز از دیگر مواد مخدر است و آن را یک فعالیت عادی در نظر می‌گیرند (حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). آیتی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه تجربه زیسته جوانان با اختلال مصرف مواد در شهر بجنورد جهت دستیابی به یک مدل تبیینی با رویکرد نظریه زمینه‌ای عنوان نمودند عوامل اثرگذار در اختلال مصرف مواد مخدر در پنج

مفهومه اصلی شامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل شناسایی است. عوامل فردی در زیر مقوله‌هایی مانند مذت جویی، کنجکاوی، توهمندی قدرت‌افزایی، عدم آگاهی از اثرات مواد، رهایی از دردهای جسمانی و روحی، رسیدن به آرامش و فراموشی مشکلات قابل طبقه‌بندی است. عامل‌های خانوادگی در زیر مقوله‌های خانواده ناسالم، فروپاشی و طلاق، مشکلات و تنشی‌های خانوادگی، فقدان نظارت در خانواده، سرمایه اجتماعی پایین در خانواده و بی‌تفاوتی عاطفی قابل رهگیری است. عوامل اجتماعی مانند حلقه دوستان ناباب، مکان زندگی، کاهش تعاملات اجتماعی، معاشرت با افراد وابسته به مواد و بازتولید سرمایه اجتماعی منفی در اعتیاد جوانان مورد مطالعه اثرگذار بوده است. عده‌ای از پژوهشگران حوزه اعتیاد مانند اومبابا اوکاری و ماسسه^۱ (۲۰۱۸) به پیامدهای مصرف مواد اعتیادآور نظری عدم علاقه به مطالعه، پرسشهای زنی و ولگردی، عدم تمرنگز یا تمرنگز پایین، مشکلات سلامتی مثل سردرد، توهمندی، اضطراب دائمی، نگرانی، خواب آلودگی پرداختند. تأمل در مطالعات پیشین نشان می‌دهد که شمار زیادی از آنها بر مطالعه وضعیت سنجی و از دیدگاه توصیفی (اللهوردی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶؛ وکیلی و همکاران، ۱۳۹۶) یا به بررسی میزان شیوع مصرف مواد پرداخته (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ شیخ و کاشی، ۱۳۹۴)، و کمتر پژوهش‌هایی با رویکرد کیفی به معناکاوی رفتار اعتیاد و سبک زندگی متصل به آن پرداخته‌اند.

در تحقیقات مورد اشاره، به معنای ذهنی و سبک زندگی اعتیادی آنچنان که باید پرداخته نشده است و عمدتاً با رویکردهای کلان، مطالعه شده است؛ در نتیجه مطالعه مستقلی در جهت معناکاوی و فهم نظام معنایی افراد جوان مصرف کننده مواد اعتیادآور و از آن فراتر، مطالعه عمیق سبک زندگی و زیست‌جهان متصل به مواد مخدر، اندک است؛ بر این اساس، تلاش برای فهم معنای اعتیاد در ذهن مصرف کنندگان جوان مواد مخدر اهمیت دوچندان و ضرورت می‌یابد. هم‌چنین این ضرورت، مطرح است که افراد جوان مصرف کننده مواد منطقه فرhzاد تهران چه سبک زندگی‌ای دارند و چگونه نیازهای خود را برطرف کرده و زندگی می‌کنند؟ ضرورت مطالعه منطقه فرhzاد تهران نیز به این دلیل

انتخاب شده که دارای ویژگی‌های جغرافیایی خاص (کوچه‌های کم عرض و بن بست با خانه‌های کم متراژ و ریزدانه با بافت فرسوده و کم دوام) است که نقاط مشخصی از آن پاتوق معتادان متجاهر برای فروش و مصرف مواد شده و به نظر می‌رسد گونه خاصی از زندگی در این مکان، جاری است که مطالعه آن می‌تواند داده‌های منحصر به فردی را پیشاروی محققان قرار دهد. از سوی دیگر، با درک نظم معنایی افراد مصرف کننده مواد، ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته پیرامون آن را می‌توان آشکار ساخته و به تغییرات اجتماعی تعاملات کنشگران، ساختارهای اجتماعی و هنجاری جامعه، بازفسیر نظام ارزشی حاکم بر نظام معنایی و سبک زندگی کنشگران که بر رفتارها و عادت‌های آنان اثر می‌گذارد، پی‌برد و این شناخت عمیق از زمینه‌ها، علل و پیامدهای ایجادی و ایجابی، بر گسترش مرزهای دانش اعتیاد و فهم لایه‌های پیچیده آن کمک می‌کند. هم‌چنین می‌تواند در حد خود، راهنمای مفیدی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای درمانی و قانون‌گذاری بوده و از تصویب قوانین ایستا و به دور از فهم عمیق مستله اجتماعی اعتیاد جوانان، جلوگیری نماید. از این رو، چنین مستله‌ای قطعاً ساحت‌های متفاوت و ابعاد گوناگونی از برداشت‌های ذهنی فردی و اجتماعی نسبت به پدیده اعتیاد را در بردارد که زمینه پژوهش عمیق با رویکرد کیفی را فراروی محققان می‌گذارد؛ بنابراین این سوال‌ها مطرح می‌شود که جوانان مصرف کننده مواد منطقه فرhzad تهران چه معنا و تفسیری از اعتیاد دارند و سبک زندگی آنان حاوی چه مختصاتی است؟ علل، زمینه‌ها و بسترها پیدایش نظام معنایی آنان از اعتیاد و شرایط مداخله گر آن در بین این کنشگران جوان، چیست؟ مصرف کنندگان جوان مواد اعتیادآور به چه کنش‌هایی دست زده و این کنش‌ها چه پیامدهایی را برای آنان به ارمغان می‌آورد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله منطقه فرhzad تهران بودند. ۳۵ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و با بیشترین نوع انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافتنه

یافته‌ها

تعداد ۲۰ مرد و ۱۵ زن جوانِ مصرف‌کننده مواد ۱۸ تا ۳۰ ساله در تحقیق مشارکت نمودند که یکی از زنان، «ترنس» بود. ۷۵ درصد (۲۵ نفر) از نمونه‌های مورد بررسی، متادون و شیشه و ۲۵ درصد (۶ نفر) هروئین مصرف می‌کردند. ۱۰۰ درصد (۳۵ نفر) دارای سابقه خشونت، ۶۲ درصد (۲۲ نفر) سابقه آزار جنسی مکرر، ۸۰ درصد (۲۸ نفر) تفکر دائم به خودکشی و ۸۲ درصد (۲۹ نفر) اقدام به خودکشی نافرجام داشته‌اند. ۵۱ درصد (۱۸ نفر) هیچ معنایی در زندگی نداشته و ۳۱ درصد (۱۱ نفر) آرزوی مرگ و ۴۲ درصد (۱۵ نفر) آرزوی ترک مواد و برگشت به زندگی داشتند. ۸۰ درصد (۲۸ نفر) از جامعه و دولت می‌خواستند با همین سبک زندگی، آنان را پذیرفته و جایی برای مصرف مواد برایشان

فراهم کنند تا در انتظار جامعه نباشند. اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان در جدول شماره

۱، ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان

ردیف	سال (سال)	تصحیلات	وضعیت تأهل	مدت زمان اعتقاد	وضعیت اعتماد در حال حاضر	مقدار	وضعیت اعتماد	مقدار	معنی کلمه زندگان	سبقه آزار جنسی	سبقه خشونت	سبقه آزار جنسی	آرزو	شکر به خود کشید	آرزو	آرزو	خواسته از جامعه و دولت
۱	۳۰	مرد راهنمایی	متأهل	۱۴	مفرد سوم مجدد	بله	شیشه مکرر	بله	نارام	هیچ	بله	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۲	۲۶	مرد -	متأهل	۹	متأهل شیشه	بله	-	بارها	نه شاید خوب	ترک مواد	بله	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۳	۲۹	مرد دیپلم	متأهل	۱۵	مفرد هروئین	بله	شیشه زیاد	بله	ولنگاری	پاک شوم	خیر	خیر	جایی برای مصرف مواد	-	-	-	-
۴	۳۰	مرد دیپلم	متأهل	۱۸	مفرد هروئین	بله	شیشه زیاد	بله	پذیرش	ازدواج با مرگ	بله	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۵	۲۶	مرد سیکل	متأهل	۱۵	مفرد هروئین	بله	شیشه زیاد	بله	پذیرش	ترک مواد	بله	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۶	۲۵	مرد فوق دیپلم	متأهل	۱۸	مفرد هروئین	بله	شیشه زیاد	بله	پذیرش	تنها ناشم	زنگی	خیر	خیر	جایی برای مصرف مواد	-	-	-
۷	۲۷	مرد دیپلم	متأهل	۱۵	مفرد هروئین	بله	شیشه زیاد	بله	پذیرش	ترک مواد	بله	نه	نه	جایی برای مصرف مواد	-	-	-
۸	۲۸	مرد الکترونی	متأهل	۱۷	مهنده‌سی گل	بله	شیشه بارها	بله	پذیرش	تمام شده	اصلاً خیر	خیر	خیر	جایی برای مصرف مواد	کاری نمی‌توانه بکنه	ک	ک
۹	۲۹	مرد دیپلم	متأهل	۱۱	مهنده‌سی بارها	بله	شیشه بارها	بله	بدتر ضریبه میزنه	نارام	صدای کلنگ قبر	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۱۰	۲۸	مرد دیپلم	متأهل	۱۲	مهنده‌سی هروئین	بله	شیشه بارها	بله	ضریبه	خواب بد	نارام	بله	بله	بله	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۱۱	۳۰	مرد عمران	متأهل	۷	مهنده‌سی هروئین	بله	شیشه بارها	بله	ضریبه	بر باد رفته	مرگ	بله	نه	نه	بله	بله	جایی برای مصرف مواد
۱۲	۳۰	مرد دیپلم	متأهل	۱۳	مهنده‌سی خمایت	بله	شیشه متأدون	بله	حمایت از ایران بروم	پاک شوم	تابه‌ی خیر	خیر	جایی برای مصرف مواد	از ایران بروم	بله	بله	جایی برای مصرف مواد

جدول ۱: اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان

ردیف	س. (سال)	تعداد	نحو انتهای	معنی کلمه زنگ	سبقه آزار جنسی	سبقه خشونت	و فیض اثبات در حال حاضر	مدت اعذاب	و فیض ثائل	تحصیلات	متادون	قرص
۱۳	۲۵	مرد سیکل متاهل	۱۴	شیشه متادون	نمی شه خوب زندگی کرد	بله بله	رضایت خانواده	بله بله	رمایت خانواده	آزاد	آزاد	آزاد
۱۴	۲۸	مرد دیپلم متارکه	۱۱	شیشه متادون	سلامت و خیر بی معنا شده برگشت به خانواده	بله بله	حیثیت خانواده	بله بله	حیثیت خانواده	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد
۱۵	۲۶	مرد بیسواند متاهل	۱۰	شیشه متادون	ترک مواد برگردم	بله بله	هروثین هیچ خیر مصرف مواد	بله بله	هروثین هیچ خیر مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد
۱۶	۲۵	مرد سیکل مجرد	۳	شیشه متادون	مرگ خیر تنهایی	بله بله	فوق	شیشه متادون	مرگ خیر تنهایی	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد
۱۷	۲۴	مرد لیسانس متأهل	۶	شیشه متادون	مرگ هیچ	بله بله	مرد	شیشه هروثین	مرگ هیچ	جایی برای مصرف مواد	عمران	جایی برای مصرف مواد
۱۸	۲۸	مرد دیپلم مجرد	۴	شیشه متادون	سلامتی والدین	بله بله	فوق	شیشه متادون	سلامتی والدین	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد
۱۹	۲۶	مرد دیپلم متارکه	۱۴	شیشه متادون	مرگ خراب شد	بله بله	فوق	شیشه متادون	مرگ خراب شد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد
۲۰	۲۳	مرد لیسانس متأهل	۱۳	شیشه متادون	اجبار به مصرف مواد	بله بله	ضربه	شیشه متادون	اجبار به مصرف مواد	جایی برای مصرف مواد	لیسانس متارکه	جایی برای مصرف مواد
۲۱	۳۰	زن فوق دیپلم متأهل	۱۴	شیشه	آرامش و آسایش	بله بله	ضربه	شیشه	آرامش و آسایش	جایی برای مصرف مواد	زن فوک دیپلم متأهل	جایی برای مصرف مواد
۲۲	۲۵	(زن) سیکل مجرد	۲	هروثین	تأسیس مرکز نگهداری	بله بله	زن	هروثین	تأسیس مرکز نگهداری	جایی برای مصرف مواد	(زن) سیکل مجرد	جایی برای مصرف مواد

جدول ۱: اطلاعات توصیفی شرکت کنندگان

ردیف	سن (سال)	تحصیلات	وضعیت ناهم	مدت زمان اعتماد	وضعیت ایجاد در حال حاضر	سابقه خروجی	سابقه آزار جنسی و سلامتی	منابع کامه زندگی	نقش به عنوان دشمن	اقایام به عنوان خودکشی و	خواسته از جامعه و دولت
۲۳	۲۶	زن	دیپلم	متاهل	۱۵	سورچه	بله	بارها	هیچ	برگشت به زندگی	بله بله
۲۴	۲۷	زن	دیپلم	متاهل	۷	هروئین	بله	زیاست	بله	کمال در زندگی	بله بله
۲۵	۳۰	زن	حسابدار	مجرد	۱۵	دوا	بله پدر	-	بله	بغل کردن والدین	بله بله
۲۶	۲۵	زن	دیپلم	متأهل	۱۵	شیشه	بله	بله	بله	مصرف مواد زندگی سالم	بله بله
۲۷	۲۴	زن	دیپلم	متأهل	۱۴	پنجم	بله	شیشه	بله	پاکی	بله بله
۲۸	۲۸	زن	سیکل	صیغه	۳	شیشه	بله	بله	بله	زمداج با مرد	بله بله
۲۹	۲۵	زن	دیپلم	مجرد	۱۲	دوا	بله	بله	بله	معمولی خوب	بله بله
۳۰	۲۸	زن	بیسوساد	طلاق	۳	بار	شیشه	بله	هیچ	خیر	بله بله
۳۱	۲۴	زن	فوق دیپلم	متأهل	۷	شیشه	بله	بله	بله	تموم شه مرگ	بله بله
۳۲	۲۹	زن	زیست	مطالقه	۸	لیسانس	بله	کوکائین	شیشه	بدبختی مرگ	بله بله
۳۳	۲۸	زن	جامعه	صیغه	۱۲	لیسانس	بله	بله	شیشه	شکست و خوب بشم یا	بله بله
۳۴	۲۶	زن	زبان	صیغه	۹	لیسانس	بله	بله	شیشه	برگشت به زندگی	بله بله
۳۵	۲۰	زن	دیپلم	متأهل	۸	لیسانس	بله	بله	شیشه	می تونست خوب بشم یا خوب باشه بعیرم	بله بله

با تحلیل و بررسی دقیق و خط به خط متن مصاحبه‌های پژوهش، مفاهیم، تم‌های فرعی، اصلی و نهایی بر اساس فرآیند دقیق، جزیی و طولانی، مفهوم پردازی و ارائه شدند. در نتیجه این فرآیند، مقوله هسته پژوهش «اعتیاد دلفریب؛ خودکشی خودخواسته» از ۶ مقوله اصلی، ۵۰ مقوله فرعی، پرساخته شد که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: اجزای مدل نظری و فرآیند استخراج مقوله هسته پژوهش

نمونه مقولات محوری/کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	مفهوم هسته
لذت‌جویی و حس کنجکاوی، افسردگی، توهمندی افزایش قدرت، رفع دردهای مزمن، پنداشت‌ها و باورهای غلط و نادرست درباره مصرف مواد، فراموشی مشکلات، زندگی در اماکن بدون نظارت خانواده مثل خوابگاه و خانه‌های استیجاری، مخالفت با والدین	محوری	انتخابی	کدگذاری
الگوهای فرزندپروری ناموفق والدین، ارتباط ضعیف والدین و فرزندان، کمبود محبت در خانواده، نبود انصباط و نظارت در خانواده، خانواده متشنج، آشته و از هم گسیخته، اعتیاد یک یا چند نفر از اعضای خانواده، میزان بالای تعارض‌های خانوادگی، فقدان احساس رضایتمندی در خانواده، آزار جسمی و جنسی در خانواده، دسترسی آسان به مواد، محيط زندگی ناسالم و پرخطر، دوستان هم‌سال نایاب و مصرف کننده مواد، شروع زودرس مصرف سیگار و گل، مهارت‌های زندگی اجتماعی ضعیف، حاشیه‌نشینی و همنشینی اترافقی، بیکاری فراینده علیرغم تحصیلات دانشگاهی و مهارت‌های حرفة‌ای، فقر و بی‌خانمانی، بحران اقتصادی، مشاغل سخت و زیان‌آور	انتخابی	انتخابی	کدگذاری
متغیرهای روان‌شناختی و هیجانی، عدم آشناشی و کنترل هیجانات، مصرف مواد در زمان نوجوانی و عدم تکمیل و رشد بخش پره‌فروتنال مغز، خودکنترلی ضعیف، خلاطه عاطفی، آشتفتگی خُلقی و ذهنی، بیگانگی با خانواده و جامعه، نگاه اجتماعی به مثابه شخص لکه‌دار و خوار شده، نگاه منفی جامعه به معتمدان	انتخابی	انتخابی	کدگذاری
روان‌شناختی اختلالات مداخله‌گر عوامل روان- عوامل میانجی: عوامل روان- عوامل شناختی روان‌شناختی	انتخابی	انتخابی	کدگذاری

جدول ۲: اجزای مدل نظری و فرآیند استخراج مقوله هسته پژوهش

نمونه مقولات محوری/کدگذاری باز سطح دوم	کدگذاری	کدگذاری انتخابی	مفهومه هسته
معنابخشی به زندگی اعتیادی، جامعه‌ستیزی، ترک‌های مکرر و شکست، مقاومت در برابر تغییر، خواستن و توائشن ترک مواد، جبران تنهایی و انزوا، حمایت متقابل از یکدیگر در پاتوق، تقسیم دردها و رنج‌ها با همنوعان در پاتوق، بازسازی امنیت در زندگی اعتیادی	برچسب اجتماعی		راهبردها
احساس‌بی ارزشی، احساس‌بی پناهی، احساس‌بی قدرتی، احساس ستم‌دیدگی، شکست در زندگی، خروج از زندگی عواملی، ترسیدن به آرزوها همانندسازی افراطی، تطبیق‌پذیری و سازگاری با شرایط، آرامش‌بایی در وضع موجود، بازاندیشی گرایی، تفکر مدام مرگ، زندگی در عیش و مردن در خوشی، خودکشی خودخواسته، ضعف قوای جسمانی، بیماری‌های قلبی و تنفسی، اختلال در دستگاه عصبی	اثرات روانی، اجتماعی و جسمانی	پیامدها	
بر اساس اجزای مدل نظری و فرآیند استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف، بررسی و مقولات اصلی، تشریح شد.			

عوامل فردی و اجتماعی

محققان با بررسی الگوی پارادایمی معناکاوی سبک زندگی مشارکت کنندگان؛ دریافتند شرایط روانی فردی و اجتماعی جوانان در پیدایش سبک زندگی دلفریب اعتیادی و رهنمون کردن آنها به فرآیند آرام و بطيئی خودکشی خودخواسته در بستر مصرف دائم مواد، موثر بوده است. علت معنادار و مشترک مصرف مواد در دنیای ذهنی مشارکت کنندگان، لذت‌جویی و ارضای حس کنجکاوی، پنداشت‌ها و باورهای غلط و نادرست درباره مصرف مواد و فراموشی مشکلات بوده است. در این خصوص مشارکت کننده شماره ۸ گفت: "... زندگی خیلی خوب و مرفه‌هی را در خانوارده پدری و زندگی خودم داشتم، ۵ سال هند زندگی کردم ... چندین بار به اروپا سفر کردم... خونه،

ویلا، دو تا ماشین، شرکت و ... همه چی داشتم... بیشتر از ۱۰ سال با کتی (زنم) به خوبی زندگی کردم... خیلی از چیزایی که برای خیلی از این آدمایی که الان تو این پاتوق هستن آرزوست برای من خاطرست... گه گاه نیز الکل و تریاک و گل می‌زدم... خونه و ماشینم را به اسم کتی زده بودم... وقتی خونوادهاش به مشکل اقتصادی خوردن، به تحریک پدرش همه چی را برداشت و رفت دانمارک... الان با خاطره و فکر اون ۱۰ سال زندگی خوبیم دارم زندگی می‌کنم... کاش کتی خونه و ماشین رو به باباش می‌داد ولی منو ترک نمی‌کرد... الانم دوستش دارم.. برای تحمل این درد به شیشه و گل و متادون پناه آوردم... دوست دارم این زندگی تموم شه....".

عوامل زمینه‌ساز، تداوم بخش و تشذیب کننده

شواهد علمی و تجربی نشان می‌دهد اعتیاد یک بیماری مزمن و عود کننده است. یافته‌های تحقیق نشان داد مشارکت کنندگان در مسیر سبک زندگی اعتیادی خود، شرایط مختلف خانوادگی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی را مانند الگوهای فرزندپروری ناموفق والدین، ارتباط ضعیف والدین و فرزندان، نبود انصباط و نظارت در خانواده، اعتیاد یک یا چند نفر از اعضای خانواده، فقدان احساس رضایتمندی در خانواده، آزار جسمی و جنسی در خانواده و اجتماع، دسترسی آسان به مواد، محیط زندگی ناسالم و پر خطر، دوستان همسال ناباب و مصرف کننده مواد، شروع زودرس مصرف سیگار و گل، مهارت‌های زندگی اجتماعی ضعیف، حاشیه نشینی و هم‌نشینی افتراقی، بیکاری فزاینده علیرغم تحصیلات دانشگاهی و مهارت‌های حرفه‌ای، بحران اقتصادی، مشاغل سخت و زیان‌آور؛ را تجربه کردند که به عنوان عوامل زمینه‌ساز، تداوم بخش و تشدید کننده، طبقه‌بندی شد. به عنوان نمونه مشارکت کننده شماره ۲۵ گفت: "... وقتی ۹ ساله بودم، همان زمانی که پدرم به من تعرض جنسی کرد و دختری را از من گرفت، می‌دیدم پدر و مادرم برای تسکین دردها شون، تریاک را در چایی حل کرده و می‌خوردند... وقتی از مدرسه بر می‌گشتم، پدرم یک پلاستیک مشکی خیلی کوچیک را در وسط مشت دستم می‌گذاشت و می‌گفت بدون اینکه مشت رو باز کنی با سرعت برو فلانجا و این رو به فلانی بده و برگرد... خیلی خسته می‌شدم، پاهام به شدت درد می‌گرفت... بعد از رسیدن به مقصد، مشتم را که محکم

بسه بودم باز می‌کردم، گاهی می‌دیدم یه چیز سیاه، کف دستم چسییده... اون را لیس می‌زدم... اوایل بدنم به خارش می‌افتداد ولی خیلی حس خوبی بهم دست می‌داد، کم کم خوشم اوهد و فهمیدم این حالت‌ها اثر تریاکه... ادامه دادم، حالا مصرف کننده حرفه‌ای شیشه‌ام... وای از دست پدرم...!". در همین زمینه مشارکت کننده شماره ۳۰ گفت: "پدرم منو در بچگی در چاه توالت آویزون می‌کرد و می‌گفت تو موجودی اخسافی و بادرد نخوری، آخرش هم در ۱۳ سالگی منو به یک مرد افعانی شوهر داد که معتاد بود و من هم برای انتقام از این زندگی نکبت‌بار، با شوهرم به تریاک و بعد از آن به مصرف شیشه روی آوردم ... پس از دو سال منو طلاق داد و دنبال زندگیش رفت ... الان با مصرف شیشه سعی می‌کنم از دردها فرار کنم ... مواد شده مونس زندگیم و ادامه می‌یابم تا عمرم تمام بشه ... شب‌ها آرزو می‌کنم که خوابیدم دیگه بیدار نشم ... جرأت خودکشی هم ندارم..." .

عوامل مداخله‌گر

مشارکت کننده‌گان پژوهش حاضر به مفاهیمی نظری عدم آشنائی و کنترل هیجانات، مصرف مواد در زمان نوجوانی و عدم تکمیل و رشد بخش پره‌فرونتال مغز، خودکنترلی ضعیف، خلاء عاطفی، آشفتگی خلقی و ذهنی، بیگانگی با خانواده و جامعه، نگاه اجتماع به متابه شخص لکه‌دار و خوار شده، نگاه منفی جامعه به معتادان اشاره کردن که به عنوان شرایط میانجی و عوامل مداخله‌گر، دسته‌بندی شده و موجب ایجاد سبک زندگی اعتیادی افراد مورد مطالعه شده است. در این رابطه مشارکت کننده شماره ۲۲ (ترنس متمایل به مرد) گفت: "شرایط نوجوانی بسیار آشفته‌ای را در خانواده تجربه کردم، از محبت والدین، هیچی در کنکردم، الان اصلاً بهشون فکر نمی‌کنم. از خونه (خرم آباد) فرار کردم اوهدم تهران و خیلی زود با مصرف کننده‌های مواد آشنا شدم. هر ماده‌ای را که می‌خواستم مصرف کنم اول درباره اثراتش تحقیق می‌کردم، بعد می‌زدم... الان چشم سوم من باز شده...". هم چنین مشارکت کننده شماره ۳۲ گفت: "خانواده منضبط و خوبی داشتم، پدرم همیشه حواسش بهم بود ولی خودم در کنترل هیجانات نوجوانی موفق نبودم... آشفتگی ذهنی اذیتم می‌کرد. مصرف مواد را یک ضرب با کوکائین در یک پارتی (با رئیس شرکت و همکار) در شهرک غرب شروع و بهشت رو تجربه کردم. قبل درباره اثرات

مصرف انواع مواد چیزایی خوننه و شننیده بودم. به نظرم هر کس کوکائین مصرف نکرده بهشت را ندیده و نخواهد دید... الان بارها از هروئین و شیشه استفاده کردم ولی هیچ وقت اون حال، تکرار نشده ..."

راهی‌بدها

فلسفه و معنای زندگی در نگاه افراد مختلف تعاریف متفاوتی دارد و هیچ تعریف واحدی برای آن نمی‌توان ارائه کرد. در واقع معنای زندگی، کاملاً شخصی و تحت تأثیر جهان‌بینی فرد است و هر کس به تنها‌ی اما تحت تأثیر آموزش‌ها، نوع نگرش و عوامل اجتماعی- تربیتی، می‌تواند معنای واقعی زندگی خود را تعیین کند؛ بنابراین اگر زندگی در نگاه افراد معنadar نباشد، هرگز لذت، شادی و ثروت را تجربه نخواهند کرد. یافته‌های تحقیق نشان داد، افراد مورد پژوهش با توجه به شرایط پیش آمده دچار قفل شدگی در سبک زندگی اعتیادی شده و برای جبران تنها‌ی و انزوای ناشی از زندگی در پاتوق مصرف مواد و جدایی از زندگی و جامعه سالم، در صدد جایگزینی مفاهیم و معانی جدید از رویکردها و معانی ذهنی خود در محیط خاص پاتوق مصرف مواد برآمده و رنج‌های شان را با همنوعان تقسیم کرده و به بازسازی امنیت در زندگی اعتیادی روی آورده‌اند. در این خصوص مشارکت کننده شماره ۲۹ گفت: "... جای زخم زندگی روی تنم هیچ وقت خوب نمیشه... برای چی باید ترک کنم؟ انگار من هیچ وقت نبودم... الان در انتظارم که زندگیم با مرگ تدریجی تموم شه...". هم چنین مشارکت کننده شماره ۶ گفت: "... پدرم در ۱۳ سالگی مرد، بچه سرکشی بودم، حرف قبول نمی‌کردم، از ا Rath پدری بهم تو پاسداران یک خونه افتاد، خونه پدرم قیطریه بود الانم خواهرا و برادرام قیطریه زندگی می‌کنم... دوا (هروئین) همه زندگی منو از بین برد... الان نمی‌خواهم ترک کنم، می‌تونم ولی فکر می‌کنم اینطوری می‌تونم انتقامم رو از این زندگی بگیرم... نتونستم نقشی به این زندگی بزنم... همچنان تو ترس از اینم که تو پاتوقی، از خماری بمیرم و کسی نباشه منو جمع و جور کنه... دلم به همین هم پاتوقیا خوشه..." .

۷۲

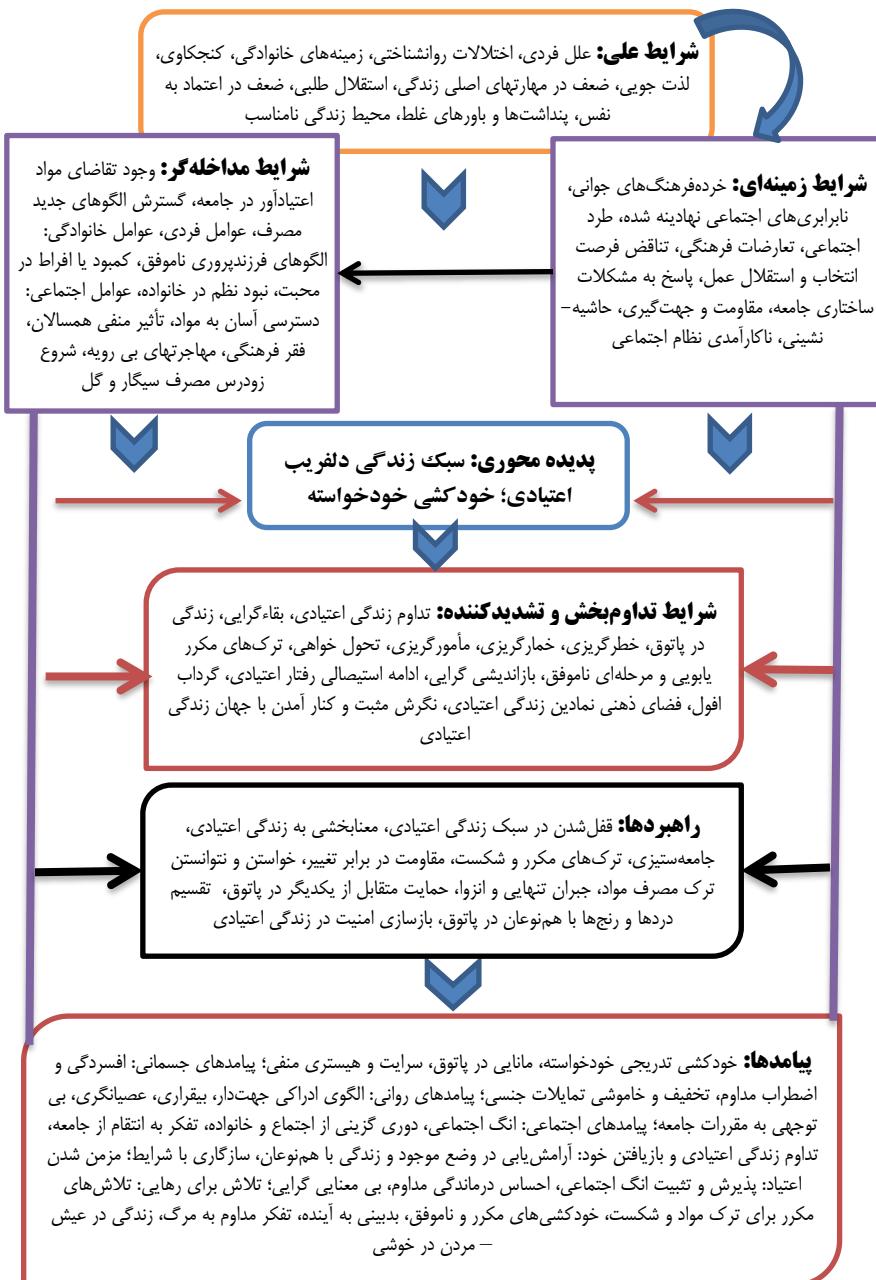
72

۰۴.۰۸.۱۸، ۰۷:۵۰، نظریه انسان

پیامدها

برخی از مشارکت کنندگان در رابطه با پیامدهای کاربست راهبردها به مفاهیم مختلفی مثل احساس بی ارزشی، احساس بی پناهی، احساس بی قدرتی، احساس ستم دیدگی، شکست در زندگی، خروج از زندگی معمولی، نرسیدن به آرزوها، همانندسازی افراطی، تطبیق پذیری و سازگاری با شرایط، آرامش یابی در وضع موجود، بازاندیشی گرایی، تفکر مداوم به مرگ، زندگی در عیش و مردن در خوشی، خودکشی خودخواسته، ضعف قوای جسمانی، بیماری‌های قلبی و تنفسی و اخلال در دستگاه عصبی؛ اشاره کردند. در مجموع بر اساس داده‌های برآمده از تحقیق، در معناکاوی سبک زندگی افراد مورد مطالعه باید به عوامل فردی، اجتماعی، زمینه‌ساز و تداوم بخش، مداخله گر و پیامدهای جسمی، روانی، اقتصادی و اجتماعی این گونه از زیست جهان، توجه نمود. در این رابطه مشارکت کننده شماره ۵ گفت: "... من بچه طلاقم، پدرم وقتی ۷ سالم بود ما رو ترک کرد... در کودکی بارها مورد خشونت و آزار جنسی قرار گرفتم... طعم خوشی زندگی را هیچ وقت نچشیدم... حقم را از زندگی نگرفتم... ۲۱ سالم بود از اسلامشهر (محل زندگیم) رفتم رامسر... کراک کشیدم و بعدش تعداد زیادی قرص لورازیام و دیازیام خوردم، نیروی انتظامی تن بیهوشم را به بیمارستان رسوند و متأسفانه زنده موندم! این چه زندگیه... دچار دهها مریضی و سرخوردگیم... یه جورایی با زندگی تو پاتوق دنبال آرامشم". هم چنین مشارکت کننده شماره ۲۴ گفت: "... بنظرم همه چی به خونواده بر میگردد... وضع مالی ما خوب نبود، مادرم همیشه نبود... از ۴ سالگی تنها بودم... قانون‌ها و خط قمزهای خونه ما خیلی مرتب بود... اگر انتخاب با من بود این خانواده را انتخاب نمی‌کردم... ازدواج کردم و شوهرم معتقد از آب در او مدد... نمیدونستم باید چکار کنم... طلاق گرفتم... با شوهرم مصرف نمی‌کردم بعد از طلاق با سیگار و گل شروع کردم و بدون اینکه بخوام به این مسیر رسیدم... افتادم تو خوشگذرانی و پارتی... شاید خودمو گول زدم... تا حالا ۴ بار رگ زدم، چندین بار فرصهای اعصاب داداشم را خوردم ولی نمردم و حالا اینجام... با احساس بی ارزشی، بی پناهی، ستم دیدگی، خارج از زندگی معمولی... در حسرت آرزوها... تنها و افسرده و در انتظار مرگ... این یه خودکشی خودخواسته برای من و امثال منه...".

تحلیل الگوی پارادایمی علل و زمینه‌های پیدایش سبک زندگی اعتیادی
الگوی پارادایمی علل و زمینه‌های پیدایش سبک زندگی اعتیادی و خودکشی خودخواسته در بین جوانان مورد مطالعه در شکل ۱ ارائه شده است. از منظر مشارکت کنندگان در این پژوهش، هم‌کنشی شرایط فردی و اجتماعی به عنوان عوامل علی، به کمک شرایط خانوادگی، اجتماعی و محیطی به عنوان عوامل زمینه‌ساز و تشدید‌کننده، سبک زندگی اعتیادی در بین جوانان را به وجود آورده است. مشارکت کنندگان این پژوهش راهبردهای مختلفی را در راستای تطبیق خود با شرایط زندگی در پاتوق مصرف مواد در پیش گرفتند که سبب قفل شدن آنان در شیوه زندگی اعتیادی شد. این فرآیند در نهایت با کمک اثرات روانی، اجتماعی و جسمانی مصرف مواد، پیامد مرگ تدریجی و خودکشی خودخواسته را برای آنان به ارمغان آورد.



شکل ۱: الگوی پارادایمی سبک زندگی جوانان مصرف‌کننده مواد فرhzad بر اساس روش نظریه داده-

بنیاد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، معناکاوی سبک زندگی جوانان مصرف‌کننده مواد در محله فرհزاد تهران با رویکرد نظریه زمینه‌ای بود تا شناخت عمیق یک پدیده اجتماعی و به موازات آن، یک واقعیت اجتماعی در نظام معنایی فرد مصرف‌کننده موادخدر، صورت گیرد. نتایج تحقیق نشان داد این نظام معنایی می‌تواند تجلیات رفتاری فرد در گروه ثانویه پاتوق مصرف‌کنندگان مواد، را شکل داده و شیوه‌ای متفاوت از زیست فردی و اجتماعی موسوم به سبک زندگی اعتیادی را نمایان سازد، سبک زندگی که در آن همه چیز با تهیه و مصرف مواد، معنا یافته و به شدت تحت تاثیر آن است. مطالعه‌شوندگان، تعریف متفاوتی از سبک زندگی، ارائه داده و خود را از گونه‌های دیگر جامعه، تمایز بخشیدند. آنها برای سبک زندگی و رفتار متفاوت خود توجیهات خاصی داشته و برای پیدایش این گونه از زندگی، شرایط و عوامل ویژه‌ای را دخیل می‌دانستند و در این تعریف، عوامل نهادی، اجتماعی، محیطی، خانوادگی، اقتصادی و میانفردي، نقش پررنگی داشت. جوانان مورد مطالعه با بازاندیشی در مصرف مواد، همنشینی افتراقی با همنوعان دیگر خود و تبدیل آن به بخش مهمی از زندگی و حیات اجتماعی شان، کارکردهای مثبتی را در مصرف موادخدر یافتند.

بارقه‌های دانشی برگرفته از نظریه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در اعتباربخشی به داده‌ها و استخراج نتایج در تدوین یک مدل نظری برای فهم نظام معنایی سبک زندگی خاص مطالعه‌شوندگان در این پژوهش، اثرگذار بوده است. نتایج این بخش از تحقیق با مطالعه خدری و همکاران (۱۳۹۹) و پارک^۱ و همکاران (۲۰۲۰) درباره فاصله میان باورهای جامعه، با پنداشت‌های نوجوانان و جوانان مصرف‌کننده مواد، همسو است. هم‌چنین با تحقیقات هالبک و ویتو^۲ (۲۰۲۱)، حمیدی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، ازبورن و فوگل (۲۰۰۸)، بهارلویی و همکاران (۱۴۰۰) و حقی و صفری (۱۴۰۰) در بررسی و علت‌یابی گرایش به مصرف موادخدر از جمله کسب لذت و آرامش، مشکلات ساختاری، معاشرت با همنوعان، پیامدهای آسیب‌زای روحی و روانی؛ نیز همسو است. بر اساس مدل

پارادایمی ارائه شده، نظام معنایی مصرف مواد و سبک زندگی کنشگران، تحت تاثیر شرایط خاصی است که در چهار دسته شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و شرایط تداوم بخش و تشدید کننده طبقه‌بندی شدند. شرایط علی شامل علل فردی، اختلالات روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، کنجکاوی و لذت‌جویی، پنداشت‌ها و باورهای غلط و استقلال‌طلبی بود. شرایط زمینه‌ای شامل خردمندانه‌گرها جوانی، نابرابری‌های اجتماعی نهادینه شده، طرد اجتماعی، تعارضات فرهنگی، تناقض فرصت انتخاب و استقلال عمل، پاسخ به مشکلات ساختاری جامعه، مقاومت و جهت‌گیری، حاشیه‌نشینی و ناکارآمدی نظام اجتماعی بود. وجود تقاضای مواد اعتیادآور در جامعه، گسترش الگوهای جدید مصرف، عوامل فردی، عوامل خانوادگی، الگوهای فرزندپروری ناموفق، کمبود یا افراط در محبت، نبود نظم در خانواده، عوامل اجتماعی نظیر دسترسی آسان به مواد، تأثیر منفی همسالان، فقر فرهنگی، مهاجرت‌های بی‌رویه، شروع زودرس مصرف سیگار و گل در شرایط مداخله‌گر طبقه‌بندی شد. شرایط تداوم بخش و تشدید کننده نشان‌دهنده تداوم زندگی اعتیادی، بقاء‌گرایی، زندگی در پاتوق و خوابیدن در خیابان یا سرپناه شبانه، بازاندیشی گرایی، ادامه استیصالی رفتار اعتیادی، پیدایش فضای ذهنی نمادین زندگی اعتیادی و نگرش مثبت و کنار آمدن با جهان زندگی اعتیادی بود. سبک زندگی جوانان مصرف کننده موادمخدار، پیامدهای قابل توجه و جبران‌ناپذیری را مانند خودکشی تدریجی خودخواسته، ماناگی در پاتوق، سرایت و هیستری منفی، پیامدهای جسمانی نظیر افسردگی و اضطراب مداوم، خاموشی تمایلات جنسی، پیامدهای روانی مانند الگوی ادرارکی جهت‌دار، بیقراری، عصیان‌گری، بی‌توجهی به مقررات جامعه، پیامدهای اجتماعی شامل انگ اجتماعی، دوری گرینی از اجتماع و خانواده، تفکر به انتقام از جامعه، تداوم زندگی اعتیادی و بازیافتن خود، آرامش‌یابی در وضع موجود و زندگی با همنوعان، سازگاری با شرایط، مزمن شدن اعتیاد، پذیرش و ثبیت انگ اجتماعی، احساس درماندگی مداوم، تلاش برای رهایی، تلاش‌های مکرر برای ترک مواد و شکست، خودکشی‌های مکرر و ناموفق، بدینه به آینده، تفکر مداوم به مرگ، زندگی در عیش و مردن در خوشی، برای آنان داشته است. شرایط پیش‌گفته در تکمیل و امتداد یکدیگر پدیده‌ای با عنوان «سبک

«خودکشی خودخواسته»، پیامد نهایی سبک زندگی اعتیادی بود. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های بخشی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب و ارائه الگوی توانمندسازی آنان همسو است.

نتایج پژوهش نشان داد وقتهای که رفتار فردی و اجتماعی مانند مصرف مواد مخدر در شبکه‌ای از تعاریف، مفهوم‌ها، مصدقه‌ها و روابط متقابل اجتماعی قرار گیرد، یک چارچوب نظری را فراهم می‌آورد که امکان فهم رابطه‌ای بین عاملیت و ساختار با مصرف کنندگان مواد را فراهم آورده و هم‌چنین تجربه زیسته و فضای معنایی ویژه‌ای را از فرد مصرف کننده و گروه اجتماعی که با آن مانوس است را نشان می‌دهد. جوانان مورد مطالعه به عنوان کنشگران عرصه مورد بحث، با توجه به تجارب حاصل از مصرف مواد، نظام کنشی خود را با توجه به اهداف، وسایل و مقاصد، تفسیر کرده و کنش‌های بعدی را بر مبنای این تجارب زیسته، تنظیم کردن. در واقع سبک زندگی برآمده از کنش و واکنش‌های افراد در فرآیند کنش‌متقابل، یک نظام معنایی از جامعه، فرد و مقررات حاکم بر پاتوق مصرف مواد، ایجاد می‌کند که نانوشه و غیررسمی است و هریک در جایگاه خود، سعی می‌کند به کنش عقلانی مدنظر خود پرداخته و مسئولیت آن را نیز بر عهده گیرند. این دو امر، یعنی کنش عقلانی و پذیرش مسئولیت، سبک زندگی و نظام معنایی حاکم بر آن را بر ساخته و در نزد کنشگران به یک امر مشروع، تبدیل شده است. از سوی دیگر، بر اساس قوانین نظام زندگی مدرن، کنشگران در پستی و بلندی‌های زندگی می‌آموزند که چگونه سود و زیان اعمال آگاهانه و عقلانی خود را در یک فرآیند معنایی، تنظیم و یک رفتار را جایگزین رفتاری دیگر کرده و در راستای آن ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را بیافرینند. به این اعتبار، جوانان مصرف کنندگان مواد مخدر فرhzad تهران در یک نظام معنایی در سبک زندگی بر ساخته خود به این باور رسیدند که مصرف مواد، کارکرد مثبتی را در زیست آنها داشته و بدون آن، در مسیر سخت زندگی پیشاروی خود، نمی‌توانند ادامه دهند؛ لذا این کنش خود را ادامه داده و تکمیل کردن. مهارت‌های کنار آمدن و مدیریت خطرهای زندگی در پاتوق مصرف، ایجاد و تکمیل نظام استدلایلی چرخه

تهیه و مصرف مواد، یک شبکه از رفتارهای جدید تحت عنوان سبک زندگی اعتیادی را برای جوانان مورد پژوهش، برساخته و آنرا همچون نظام محافظ در برابر مصایب زندگی مدرن، به نحوی مشروع، آموخته شده و دارای کارکرد، برگزیده و در پس آن ناهنجاری‌های کلان پیرامون موادمخدّر و هنجارها و قوانین رسمی و غیررسمی حاکم بر آن در نزد جامعه را نادیده گرفتند. این قسمت از یافته‌های تحقیق با نتایج پژوهش حمیدی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) درباره نظام معنایی مصرف کنندگان ماری‌جوانا از اعتیاد و فیض‌اللهی و باپیری (۱۴۰۰) با عنوان واکاوی دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای مصرف موادمخدّر در بین نوجوانان شهر ایلام، همسویی دارد.

آن‌گونه که نمودار الگوی پارادایمی نشان داد در کنش‌کنشگران مورد مطالعه، مصرف موادمخدّر به عنوان رفتار بیرونی و قابل مشاهده درنظر گرفته شد و یک نظام معنایی در سبک زندگی به مثابه یک خرده‌فرهنگ در پاتوق مصرف مواد، مشاهده شد؛ که در این خرده‌فرهنگ، یک شبّه گروه با نگرش‌ها و رفتارهای مشترک و البته متفاوت از افراد سالم و عادی جامعه نمایان گردید. می‌توان گفت مصرف موادمخدّر میانجی هویت کشگر با هویت فرد در شبّه گروهی است که عضو آن است، به این اعتبار که کشگر مورد مطالعه برای تعامل و برقراری ارتباط با شبّه گروه، موادمخدّر مصرف کرده و به تعریفی جدید از سبک زندگی، دست می‌یابد. نتایج این قسمت از تحقیق، با یافته‌های حایری میدی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان نقش خودآگاهی هیجانی، تفکر ارجاعی و سرزندگی ذهنی در پیش‌بینی بازگشت به اعتیاد زنان مصرف کننده مواد مخدّر و هم‌چنین کوییترو و نیتچر (۱۹۹۶) با عنوان معانی اعتیاد: حرکت به سوی فهم مدل تخصصی؛ همسویی دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر نظریه داده‌بنیاد پژوهش به این نحو، تنسيق شد که اعتیاد جوانان مصرف کننده مواد اعتیادآور در منطقه فرخزاد تهران با شکست، ناکامی و از دست دادن معنای زندگی بدليل نارضایتی، استرس و افسردگی توأم با گسستگی و وابستگی همراه است. گسستگی‌ها اغلب از جنس از دست دادن پیوندها، ارتباطات و حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، بی معنایی شخصی و وادادگی است اما

وابستگی‌ها اغلب از جنس جایگزینی معانی جدید زندگی، پیوندها، ارتباط‌ها و حمایت‌ها در پاتوق مصرف مواد در قبال فقدان‌ها، بی‌پناهی و محرومیت‌هاست که با زیست‌جهان اعتیادی، معنا می‌گیرد. جهان زندگی اعتیادی در بستر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، روان‌شناسی، نگرشی، ابهام و نگرانی، ضربه‌های عاطفی و مالی، محرومیت‌ها، حتی اعتراض به وضع موجود و انتخاب اجباری مصرف مواد شکل گرفت. این مدل از زندگی، سبب عدم تمايل و توان برای خروج از چرخه اعتیاد، ایجاد سبک زندگی دلفریب اعتیادی و خودکشی تدریجی خودخواسته، تطیق‌پذیری و معناده‌ی به زیست‌جهان زندگی اعتیادی شد.

با عنایت به نتایج تحقیق می‌توان گفت، اعتیاد به مصرف مواد مخدر و پیدایش سبک زندگی اعتیادی یک پدیده چند بعدی، هوشمند، نوشونده و چندلایه است و عوامل مختلفی در تعامل و تقویت یکدیگر در اختلال مصرف مواد جوانان مورد مطالعه، اثرگذارند که بر اساس اولویت‌ها به ترتیب عوامل خانوادگی، فردی، بین فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشترین تاثیر را بر پدیده مورد نظر داشتند. باید به واقعیت‌های فراروی زندگی نوجوانان و جوانان، به خصوص نامیدی و سرخوردگی‌های آنان به طور عمیق توجه نمود و معنای زندگی را از دریچه دید آنان، جستجو نمود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در مناطق دیگر شهر تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور با موضوع مشابه در میان نوجوانان و جوانان انجام شود تا صحت یافته‌های این تحقیق، کنترل شده و نظام کارکردن پیشگیری و درمان کشور به جمع‌بندی تازه‌ای از موضوع رفتار و سبک زندگی اعتیادی جوانان رسیده و به دنبال آن در روند تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات پیشگیرانه و درمانی، سیاست‌های جدیدی بر مبنای یافته‌های پژوهش‌ها اتخاذ شود. تا فرا رسیدن آن زمان، فعلاً در وضعیت حاضر پیشنهاد می‌شود از سنین کودکی تا ۶ سالگی بر روی مهارت‌های خود کنترلی، شایستگی، صبر و توانمندسازی نوباوگان به صورت تخصصی بر اساس اصول هفت گانه پیشگیری در دوران کودکی کار شود تا در برهه‌های سخت زندگی به خصوص دوران‌های عمدۀ گذار زندگی (مراحل آموزش رسمی پیش‌دبستان، ابتدائی، متوسطه اول و دوم) و تغییرات معنی‌دار در رشد جسمانی و ... با داشتن یک

داشبورد مدیریتی رفتاری، ضمن تاب آوری در مقابل سختی‌های زندگی، از گرایش و اتخاذ راههای میانبر، اجتناب نمایند. پیشنهاد می‌شود اداره کل فرهنگی پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر در تبادل تفاهم‌نامه‌های همکاری با وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی، فهم جدید از مخاطبان جوان برنامه‌ها را مدنظر قرار داده و بر مبنای تعریف آنها از زندگی، مشکلات و نیازمندی‌های شان، به کار آموزشی مشارکتی بپردازند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه که صدایی تازه در پژوهش‌های موجود هستند به صورت خلاصه مدیریتی و کاربردی در جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر که به ریاست رییس محترم جمهور و وزرای دستگاه‌های همکار و مرتبط با ستاد تشکیل می‌شود؛ مطرح شود تا با دید واقع‌بینانه‌تر نسبت به اتخاذ راهبردهای جدید، منطقی و علمی در زمینه کاهش تقاضای مصرف مواد مخدر، اقدام نمایند. از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به سختی راهیابی و ورود به پاتوق مصرف مواد فرجزاد تهران، عدم اعتماد اولیه جوانان مقیم پاتوق در گفتگو با پژوهشگر، وضع نامتعادل روانی و جسمانی مصاحبه‌شوندگان بر اثر مصرف یا عدم مصرف مواد اشاره نمود.

سپاسگزاری

از تمامی شرکت کنندگان در پژوهش و کسانی که صمیمانه، در انجام و انتشار نتایج این پژوهش همکاری کردند، به رسم ادب و قدرشناسی، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

منابع

اللهوردی‌پور، حمید؛ فرهادی‌نسب، عبدالله، بشیریان، سعید و محجوب، حسین (۱۳۸۶). الگو و عمل گرایش جوانان به سوء مصرف مواد. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۵(۴)، ۴۲-۳۵.

آیتی، سعید؛ امیراحمدی، رحمت‌اله و اسماعیلی، علیرضا (۱۴۰۱). تجربه زیسته جوانان با اختلال مصرف مواد در شهر بجنورد جهت دستیابی به یک مدل تبیینی با رویکرد نظریه زمینه‌ای. مجله اعتمادپژوهی، ۱۶(۵۶)، ۳۵۴-۳۳۳.

بخشی نیا، اکبر (۱۳۹۷). فهم تجربه زیسته افراد کارتن خواب و ارایه الگوی توانمندسازی آنان. رساله دکترا رشته مدد کاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
بهارلوئی، مریم؛ ناصری، میلاد و رباني، علی (۱۴۰۰). فهم نظام معنایی دانشجویان غیربومی از تجربه مصرف سیگار در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان غیربومی دانشگاه اصفهان). مجله پژوهش-های راهبردی مسایل اجتماعی ایران، ۱۰(۲۲)، ۴۶-۲۳.

جزینی، علیرضا؛ صرامی، حمید؛ شعبانی، سعید و شیرمحمدی، سجاد (۱۳۹۷). تاثیر پیشگیری رشدمندار در کاهش گرایش به اعتیاد. *فصلنامه دانش انتظامی زنجان*, ۸(۲۹)، ۵۵-۳۹.

چابکی، سید عزیز؛ بلیاد، محمد رضا؛ کاکاوند، علیرضا؛ تاجری، بیوک و زم، فاطمه (۱۴۰۰). تدوین مدل ساختاری رابطه هیجان خواهی با اعتیاد به اینترنت نوجوانان؛ نقش میانجی توانمندی خود. *مجله روان‌شناسی و روان‌پژوهشی شناخت*, ۸(۴)، ۸۴-۷۵.

فصلنامه رویش روانشناسی، ۱۰(۵۸)، ۸۱-۶۵.

حقی، ناصر و صفری، حسین (۱۴۰۰). مطالعه کیفی عوامل جتماعی اعتیاد به موادمخدّر، مطالعه موردنی: معتادین موادمخدّر شهر کلیبر. مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۴(۵۰)، ۸۹-۱۰۴.

حمیدی‌زاده، احسان؛ محبّتی، مهران و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۴۰۱). نظام معنایی مصرف-کنندگان ماری‌جوانا از اعتیاد: ارایه یک نظریه زمینه‌ای. مجله اعتیادپژوهی، ۱۶(۶۵)، ۱۷۹-۱۴۹.

خدری، بهزاد؛ زاهدی اصل، محمد؛ پروین، ستار و زکایی، محمدسعید (۱۳۹۹). فهم فرآیند اعتیاد با ترسیم جایگاه طبقاتی سوءصرف کنندگان مواد (ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای). اعتیاد و همراهی، ۱۴(۵۶)، ۴۰-۱۳.

ریتر، جورج (۱۴۰۰). نظریه جامعه‌شناسی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۱).

شیرینی، محمدحسین و رحیمی یگانه، زهراء (۱۴۰۱). پیش‌بینی سبک‌های حل مسئله بر اساس ابعاد تمدن: یافتنگ، خود در افاده و استهه به مواد مخدوش. *فصلنامه اعتمادشوه*، ۱۶(۶۶)، ۴۲۱-۴۲۲.

شیخ، محمود و کاشی، علی (۱۳۹۴). بررسی میزان شیوع مصرف موادمضر در دانشآموزان ایرانی و ویژگی‌های جمعیت‌شناسنامه مرتبط با الگوی مصرف این مواد. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۴(۳۰)، ۱۶۰-۱۴۵.

فیض‌اللهی، علی و باپیری، امیدعلی (۱۴۰۰). واکاوی دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای مصرف موادمضر در بین نوجوانان (مورد مطالعه نوجوانان شهر ایلام). *مجله اعتمادپژوهی*، ۱۵(۶۲)، ۱۶۵-۱۴۱.

قاسم‌زاده، داود (۱۴۰۲). مطالعه کیفی علل و زمینه‌های اختلال مصرف مواد در بین دانشآموزان شهر تبریز. *مجله اعتمادپژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۱۲۶-۱۰۰.

گراآند، هوشنج (۱۴۰۲). نقش واسطه‌ای اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل در رابطه بین هیجان‌خواهی و همنوایی با گرایش به رفتارهای پر خطر. *فصلنامه اعتمادپژوهی*، ۱۷(۶۷)، ۵۴-۲۵.

مغانلو، مهناز و والیوند، یاسر (۱۴۰۱). مدل یابی گرایش به اعتیاد بر اساس صفات مدل پنج عاملی شخصیت با میانجیگری تاب آوری در دانشجویان. *فصلنامه اعتمادپژوهی*، ۱۶(۶۳)، ۲۸۴-۲۶۷.
میرزایی، مهدی و نظرزاده، مسعود (۱۳۹۸). علل اعتیاد به سیگار و قلیان و ارایه راهکارهای خودمراقبتی در دانشآموزان نوجوان دختر مقطع متوسطه دوم استان ایلام. *فصلنامه مطالعات مبارزه با موادمضر*، ۱۱(۴۳)، ۱۰۳-۹۲.

مقدم، محمدحسین (۱۴۰۱). کندوکاوی در بسترها خانوادگی و پیامدهای پدیده اعتیاد در بین مردان شهر اهواز *فصلنامه علمی اعتمادپژوهی*، ۱۶(۶۶)، ۱۴۵-۱۷۰.

نریمانی، محمد؛ رجب‌پور، مجتبی؛ احمدی، عذراء؛ یاقوتی زرگر، حسن و رستم‌اوغلی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی میزان شیوع و عوامل مرتبط با سوء‌صرف مواد در بین دانشآموزان متوسطه شهر سمنان. *فصلنامه روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۵(۴)، ۱۴۵-۱۳۲.

نعمتی سوگلی تپه، فاطمه؛ شاهمرادی، سمیه؛ رحیمی، فاطمه‌السادات و خالدیان، محمد (۱۳۹۹). بررسی عوامل تاثیرگذار در سوء‌صرف موادمضر و اعتیاد با رویکرد گراند تئوری. *فصلنامه اعتمادپژوهی*، ۱۴(۵۷)، ۳۴-۱۱.

References

- Aas, C. F., Vold, J. H., Gjestad, R., Skurtveit, S., Lim, A. G., Gjerde, K. V., & Fadnes, L. T. (2021). Substance use and symptoms of mental health disorders: a prospective cohort of patients with severe substance use disorders in Norway. *substance abuse treatment, prevention, and policy*, 16, 1-10.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. *Educational technology and communications journal*, 30(4), 233-252.

- Halbeck, H. S., & Vitoo, A. G. (2021). Adolescent marijuana dependence: the role of social bonds and social learning theory. *Journal of psychoactive drugs*, 54(1), 43-53.
- Han, B., Compton, W. M., Blanco, C., & Dupont, R. L. (2017). National trends in substance use and use disorders among youth. *Journal of the American academy of child & adolescent psychiatry*, 25(11), 806-812.
- Ombaba Okari, J., & Masase, A. (2018). Effects of drug abuse on academic performance among secondary school students in Masaba north sub country, Nymira country, Kenya. *International journal of management and commerce innovations*, 6(1), 1884-1889.
- Ondigo, Q., Birech, J., & Gakuru, O. N. (2019). Drugs and substance abuse among the secondary school students in Korogocho: Implications for behaviour and performance. *IRA international journal of education and multidisciplinary studies*, 14(3), 67-80.
- Osborne, G. B., & Fogel, C. (2008). Understanding the motivations for recreational marijuana use among adult Canadians. *Substance use & misuse*, 43(3-4), 539-572.
- Park, S., Yun, G. W., Moser, L., & Cortes, D. (2020). U.S. college students marijuana information sources, confidence in knowledge, and objective knowledge. *Journal of health communication*, 25(11), 859-869.
- Quitero, G., & Nicther, M. (1996). The semantics of addiction: moving beyond expert models to lay understandings. *Journal of psychoactive drugs*, 28(3), 219-228.
- Ramlagan, S., Peltzer, K., & Pengpid, S. (2021). Prevalence and correlates of non-daily and daily cannabis use among persons 15 years and older in South Africa: results of a national survey in 2017. *Substance abuse treatment, prevention, and policy*, 16, 1-10.
- Reynolds, B. W., Basso, M. R., Miller, A. K., Whiteside, D. M., & Combs, D. (2019). Executive function, impulsivity, and risky behaviours in young adults. *Neuropsychology*, 33(2), 212-221.
- Vakili, M., Shafiee, M. Baharie, A. H., & Mirzaei, M. (2016). Prevalence of substance abuse among high school students in 2015-2016 academic year in yazd city, Iran. *Journal of community health research*, 5(4), 234-239.

۸۴
۸۴

۱۴۰۰/۱۸/۰۶/۰۷/۲۰۲۱، پایه اسناد